

جایگاه «خاندان اجتهاد» در مکتب کلامی

«لکهنو»*

** محمد رضا ملانوری

*** محمد غفوری نژاد

چکیده

در مطالعات تاریخ کلام امامیه، در نیم قرن اخیر، پژوهش‌هایی بر محوریت برخی از مناطق که در طول تاریخ محل تجمع توده‌های شیعه بوده انجام گرفته است، اما برخی محورهای جغرافیایی همچون «لکهنو» در دیار هند مغفول مانده است. این در حالی است که لکهنو یکی از مراکز مهم شیعی است که در قرن سیزدهم، با پرورش اندیشمندان و پژوهشگران شیعی برجسته و برجای گذاشتن میراث کلامی سترگ توانست معارف شیعی را به نسل‌های بعد انتقال داده و بسترهای توسعه علمی شبه قاره را آماده کند. نوشتار پیش رو با رویکرد توصیفی، تحلیلی درصدد است با معرفی عالمان امامی این دوره که از دودمان سید دلدار علی نقوی برخاسته و به خاندان اجتهاد شهره‌اند، و بیان فعالیت‌های علمی و تألیفات کلامی آنان نشان دهد که عالمان امامی برجسته این خاندان با اقداماتی همچون تاسیس نهاد رسمی علمی، تحقیق گسترده در موضوعات کلامی و تدوین آثاری بزرگ در کلام استدلالی شیعه، مقابله شدید با جریان‌ات و اقدامات ضد شیعی و تصفیه‌اندیشه شیعه از آراء نادرست، توسعه اصول فقه و اجتهاد توانستند به مذهب شیعه پس از یک دوره تنگنای شدید رسمیت نسبی بخشیده و در ترویج تشیع در این منطقه تأثیر گذار باشند.

کلید واژه‌ها: متکلمان امامی هند، لکهنو، خاندان اجتهاد، سید دلدار علی نقوی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۹ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** عضو هیئت علمی دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب. ق/م / mr.mollanori@urd.ac.ir

*** مدیر گروه مطالعات تطبیقی اسلامی و ادیان، پژوهشکده بین‌المللی امام رضا علیه السلام، جامعه المصطفی

العالمیه، مشهد، ایران / ghafoori_n@yahoo.com

علمای شیعه در طول تاریخ اسلام از شرق تا غرب حضور جدی داشته و در پیشبرد علوم گوناگون نقش اساسی داشته‌اند. هندوستان یکی از مناطقی است که از دیرباز خاستگاه متکلمان برجسته امامی بوده است. گفته شده نزدیک به ۲۶۰ نفر از اندیشمندان ایرانی فقط در طول سلطنت اکبرشاه به سرزمین او مهاجرت کرده و به دربارش راه یافتند. حتی در برخی منابع تاریخی گفته شده که در طی قرن‌های دهم تا اوایل قرن دوازدهم نزدیک به ۷۳۰ نفر از دانشمندان، عرفا، شعرا، هنرمندان و... ایرانی به ایالت‌های سه‌گانه دکن و شمال هند مهاجرت کرده‌اند. (خواجگی، ۱۳۷۵: ۱۵)

اندیشمندانی همچون شاه طاهر بن رضی‌الدین اسماعیلی حسینی کاشانی (م. ۹۵۲ یا ۹۵۶)، محمد بن احمد خواجگی شیرازی (م. قرن دهم)، محمد بن علی بن خاتون طوسی عاملی (متوفای قرن دهم)، قاضی نورالله شوشتری (م. ۱۰۱۹)، میر محمد مؤمن استرآبادی (متوفای ۱۰۳۳ یا ۱۰۳۵) و... با مهاجرت به هند و فعالیت‌های کلامی خود در روند توسعه کلام امامی و تطور آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند، اما هیچکدام به مرتبه قاضی نورالله نمی‌رسند. قاضی نورالله در این مقطع زمانی بزرگ‌ترین و معروف‌ترین مجتهد و عالم شیعی در هند بود. (ر.ک: ملانوری، ۱۳۹۹: ۸۰)

منابع کلامی، تاریخی، رجالی و اجازه‌نامه‌های برجای مانده نشان می‌دهد که در دوره بعد یعنی در قرن دوازدهم و سیزدهم متکلمان توانمند و تأثیرگذاری از میان دانشمندان امامی «لکهنو» برخاسته‌اند و با مجاهدت‌های فراوان خویش دوران درخشانی را برای این منطقه و تاریخ کلام امامیه رقم زدند و با همکاری یکدیگر مدرسه کلامی پرباری تاسیس کرده‌اند. تفاوت این اندیشمندان با اندیشمندان همچون قاضی نورالله و افراد دیگری که نام آنها گذشت در آن است که قاضی نورالله و سایرین در اصل ایرانیانی هستند که به هند مهاجرت کردند، اما متکلمان امامی قرون دوازدهم و سیزدهم هندوستان بومی همان سرزمین‌اند.

با اینکه گزارش‌های منابع حاکی از حضور متکلمان اندیشمند و فقیهان توانمندی است که با مجاهدت‌های فراوان و همت والای برخاسته از نبوغ علمی و غیرت دینی برای مدت قابل توجهی منشأ آثار فراوان علمی بوده و هر یک از آنان نقش چشمگیری در ترویج و تحکیم سیر فکری تشیع در این منطقه داشته‌اند، اما متأسفانه در مطالعات معاصر مورد توجه قرار نگرفته است.

از مهم‌ترین خاندان‌های علمی هندوستان می‌توان به خاندان تستری، خاندان اجتهاد و خاندان عبقات اشاره کرد.

نوشتار پیش رو سعی دارد به منظور تحلیل زوایای پنهان تاریخ کلام امامیه، نقش خاندان اجتهاد در شکوفایی مدرسه کلامی لکنهورا تبیین نماید؛ خاندانی علمی که از دودمان سید دلدار علی نقوی برخاست و در چند نسل پیایی عالمان طراز بالایی را به جهان تشیع عرضه کرد.

از خاندان اجتهاد چند شخصیت کلامی برخاسته است؟ میراث کلامی این خاندان با محوریت چه موضوعاتی تولید شده است؟ بیشترین تمرکز آنان بر چه مسائلی کلامی بوده است؟ آیا می‌توان برای مدرسه کلامی لکنهو، که بنیانگذار آن خاندان اجتهاد بوده ویژگی‌هایی خاص برشمرد که آن را از دیگر مدارس کلامی متمایز سازد؟ این ویژگی‌ها کدام است؟ مناسبات این خاندان با دیگر جریان‌های موجود در لکنهو چگونه بوده است؟ اساساً تأسیس مکتب کلامی لکنهو را مرهون تلاش‌های کدام یک از خاندانهای علمی منطقه است؟ این‌ها پرسش‌هایی است که در این تحقیق در پی پاسخ آن هستیم. بدین منظور ابتدا درآمدی بر متکلمان برجسته این خاندان و آثار کلامی تاثیرگذاری که توسط آنان تولید و عرضه شده، خواهیم داشت.

۱. درآمدی بر حوزه علمیه شیعه در «لکنهو»

مدرسه کلامی، فقهی «لکنهو» در طول دو قرن عالمان امامی برجسته‌ای را پروریده و میراث کلامی فراوانی را بر جای گذاشته است، به گونه‌ای که از لحاظ کمی و کیفی بسیار ارزشمند است. بزرگان این مدرسه پس از افول مدرسه کلامی

اصفهان، تأثیری شگرف در ارتقای جایگاه علمی شیعه داشته و حوزه‌های نجف، قم و سایر بلاد شیعه را رهین خویش ساخته‌اند.

در قرن سیزدهم، لکهنو که مرکز حکومت «نواب اوده» بود از نابسامانی سیاسی، اجتماعی و مذهبی بسیاری رنج می‌برد، چرا که ضعف حکومت نواب و به تبع آن افزایش نفوذ استعمار از یک‌سو و تبلیغات دینی ادیان و مذاهب مخالف و ردیه نویسی‌های آنان علیه تشیع از سویی دیگر، شرایطی سخت را برای شیعیان هند ایجاد کرده بود. در این زمان یکی از علمای سرشناس هند به نام سید دلدار علی نقوی (م. ۱۲۳۵) حوزه‌ای در شهر لکهنو تأسیس کرد و در پی آن بسیاری از علمای شیعه ایران به ویژه علمای شوشتر، نیشابور و سبزوار به لکهنو مهاجرت کرده و به تبلیغ و گسترش تشیع اقدام کردند. از قرن سیزدهم قمری تا امروز، مرجعیت دینی و اجتماعی شیعیان هند در خانواده سید دلدار علی مستقر است. از همین روی، نسل سید دلدار علی، «خانواده اجتهاد» نامیده شد.

سید دلدار علی و فرزندانش ابزار و امکانات لازم جهت معرفی، نشر و تقویت ریشه‌های علمی تشیع را فراهم ساخته و در قالب شاگردان برجسته و تألیفات فراوان کلامی ارائه دادند، به گونه‌ای که می‌توان گفت بیشترین دانشوران برجسته و اثر آفرینان بزرگ شیعی هند در دو سده اخیر شاگردان مستقیم یا با واسطه سید دلدار علی و فرزندانش وی بوده‌اند، اما متأسفانه این مدرسه در فراز و فرود حوادث تاریخی نتوانست جایگاه علمی و سنت شاگردپروری خود را حفظ کند و کم‌کم میراث به جای مانده از اندیشمندان این مدرسه به دور از دسترس مخاطبان گرد و غبار غربت و فراموش شدگی به خود گرفت.

بعد از سید دلدار علی، فرزند ارشد وی سید محمد ملقب به «سلطان العلما» و کوچک‌ترین فرزندش سید حسین ملقب به سید العلما از اثر آفرینان بزرگ شیعی هند محسوب می‌شوند. سلطان العلما از نظر نفوذ سیاسی، قیادت و رهبری بی‌نظیر بود، اما از نظر جایگاه علمی، تفقه، مرجعیت دینی و فقهی، کرسی درس خارج و توسعه معارف شیعی و ایجاد مدارس و حوزه‌های علمی در سراسر هند، سید حسین سرآمد می‌نمود. اکنون به معرفی تفصیلی عالمان برجسته این خاندان می‌پردازیم.

۲. مروری بر متکلمان امامی خاندان اجتهاد و آثار آنان

۱. سید دلدار علی بن محمد معین نقوی نصیر آبادی لکهنوی (۱۲۳۵-۱۱۶۶)

سید دلدار علی در میان پیشوایان و مدعیان نظام دینی حکومت اوده در شبه قاره هند، دارای جایگاه ویژه‌ای است. تا پایان قرن دوازده هجری، اندیشمندان شیعی در هند، اغلب مهاجران ایرانی بودند. از قرن سیزدهم شیعیان متولد در هند، غنی‌سازی فکری شیعه در آن سرزمین را آغاز کردند که در این میان سید دلدار علی نخستین مجتهد بومی هند و بزرگ‌ترین عالم و مجتهد امامی تاریخ هند محسوب می‌شود. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۷۶)

سید دلدار علی ملقب به سید العلما (کنتوری، ۱۳۸۴: ۱/ ۱۲)، آیه الله فی العالمین (کنتوری، ۱۴۰۹: ۴) و معروف به غفران‌مآب (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۴۹)، در سال ۱۱۶۶ هجری قمری در جاپس نصیر آباد متولد (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۳۹) و در ۱۹ رجب ۱۲۳۵ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. (امین، ۱۴۰۳: ۴۲۵/۶)

وی در دوران جوانی علوم رسمی و عقلی را از علمای هند - که بیشتر آنان مخالف امامیه و حنفی مذهب بودند - آموخت (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۴۴)، اما بیشترین بهره علمی خویش را در زمینه‌های فقه، اصول و حدیث از عالمان کربلا، نجف، اصفهان، قم و مشهد و از اساتیدی همچون وحید بهبهانی، صاحب ریاض، سید محمد مهدی شهرستانی و سید محمد مهدی بحرالعلوم کسب کرد. (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۵۲-۲۳۹) سید دلدار علی در سال ۱۱۹۴ قمری در سن ۲۸ سالگی در حالی که دارای اجازات گوناگونی از اساتید خود بود به وطن بازگشت. (صدرالافاضل، ۱۳۷۴: ۲۴۷)

چون در آن دوره حوزه مستقل شیعی در لکهنو وجود نداشت، شیعیان، علوم مختلف را از علمای اهل سنت فرا می‌گرفتند و گاه می‌شد که طالبان علم از اهل سنت نزد علمای شیعه شاگردی می‌کردند. غفران‌مآب با فراگرفتن علوم مختلفی

همچون فقه، اصول، حدیث و کلام از استادان شیعه و سنی، در کنار تسلط بر فقه و اصول شیعه، در فقه و کلام تطبیقی نیز تبحر یافت. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۲۳)

در تعریف و شناسایی مقامات علمی وی همین بس که صاحب جواهر با شهرت و جلالتی که دارد در برخی از مکتوبات خود او را با عناوینی همچون «العلامة الفائق، کتاب الله الناطق، خاتم المجتهدين، شمس الانام مصباح الظلام من بهر العقول بدقائق افکاره و انار شبهات العقول بکواكب انظاره حجة الله على العالمين، آية الله العظمی فی الاولین و الاخرین» وصف کرده است. (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹: ۲۳۱/۶)

صاحب ریاض در متن اجازه خود از او با عبارت «منبع الفضل و الافادة، مجمع بحری المعقول و المنقول و المترشح لاستنباط الفروع من الاصول» یاد می‌کند. (برخی از شاگردان غفران مآب، ۱۳۹۴: ۱/۲۹۰)

آقا بزرگ تهرانی نیز در کتاب الذریعه در ذیل معرفی برخی از کتاب‌های ایشان همچون اساس الاصول (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۴/۲) و الصوامر الالهيات فی قطع شبهات عابدی العزى و اللات (همان: ۹۲/۱۵) جمله «المجاز من سيدنا بحر العلوم» را می‌آورد که این نیز نشانه عظمت ایشان است.

تقریظ آیت الله سید محمد مهدی بحر العلوم و آیت الله سید علی طباطبایی صاحب ریاض بر کتاب‌های اساس الاصول (همان: ۴/۲) و المواعظ الحسينيه (همان: ۲۳/۲۲۷) نیز عظمت ایشان را نشان می‌دهد.

سید دلدار علی پس از بازگشت به وطن خویش توانست زمام امور را به دست گیرد و از طریق فعالیت‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی پایه‌های تشیع را مستحکم نماید. انتقال میراث علمی شیعیان از بغداد، حله و اصفهان به هندوستان یکی از خدمات حائز اهمیت وی و بزرگان این مدرسه است. گذشته از فعالیت‌های قاضی نورالله شوشتری و دیگر عالمان این خطه در قرون پیشین، آثار علمی عالمان این مدرسه بود که به صورت منظم و هدفمند میراث و نشاط علمی شیعیان را از مناطق دیگر به شمال هندوستان منتقل نمود.

یکی از خدمات سید دلدار علی به جهان اسلام و در جهت ترویج فرهنگ شیعی، تألیف کتاب‌های بسیار در موضوع‌های مختلف دینی به زبان‌های فارسی و عربی است که به صورت نسخه خطی و چاپ سنگی در کتابخانه‌ها موجود و در دسترس است. این آثار را باید جزء نمودهای علمی، فرهنگی حضور ایشان در لکهنو دانست.

در حوزه مباحث کلامی کتاب‌های مختلفی به زبان‌های فارسی و عربی توسط ایشان تألیف شده که در ذیل به معرفی این کتاب‌ها می‌پردازیم:

کتاب «مرآة العقول» معروف به عماد الاسلام، مفصل‌ترین اثر کلامی سید دلدار علی و از بزرگ‌ترین کتاب‌های کلام شیعی است.

این کتاب به زبان عربی و در ردّ کتاب «نهاية العقول» فخر رازی نگاشته شده و حجم صورت مخطوط آن پنج مجلد حدود ۵۰۰ برگی در قطع رحلی است. وی در این کتاب مباحث کلامی را با روشی اجتهادی و به صورت روشمند و با ترکیبی از روش‌های عقلی و نقلی و به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده و توانسته است با کنار هم نهادن دیدگاه‌های مختلف شیعه و سنی با رویکردهای مختلف در نهایت استنباطی علمی در کلام ارائه نماید.

جلد اول این کتاب در باب توحید، جلد دوم عدل، جلد سوم نبوت، جلد چهارم امامت و جلد پنجم در باب معاد است. (همان: ۵۱) این کتاب را می‌توان مفصلترین جامع نگاری کلامی در طول تاریخ کلام امامیه محسوب داشت. چنانکه در ادامه این نوشتار خواهیم دید در مدرسه کلامی لکهنو، مسأله امامت نقش اول را در میان مسائل کلامی داشته است. تألیفاتی همچون عماد الاسلام، خاتمة الصوارم الالهیات، رساله غیبت، البوارق الموبقه، الامامة، الفضائل الحیدریه و... را می‌توان نقطه آغازین طرح مسأله امامت و کتاب برهان سعادت سید محمد قلی - پدر میر حامد حسین - و عبقات الانوار میر حامد حسین را نقطه اوج توجه به این مسأله در لکهنو دانست.

متون کلامی متکلمان مدرسه لکهنو و به خصوص کتاب مرآة العقول حاکی از آن است که آنان به مصاف نگاشته‌ها و اندیشه‌های فخر رازی - به عنوان برجسته‌ترین متکلم اشعری - رفته‌اند و در موارد و مواضع بسیاری به نقد آن پرداخته‌اند. با توجه به اینکه مواجهه اکثر مدارس کلامی امامیه با معتزلیان بوده است به نظر می‌رسد مواجهه جدی با کلام اشعری، یکی از ویژگی‌های خاص مدرسه لکهنو است که نه پیش از آن نظیری داشته و نه پس از آن استمرار یافته است.

اگرچه در قرون هفتم و هشتم هجری قمری میان متکلمان امامی همچون خواجه نصیر الدین طوسی و علامه حلی از یکسو و متکلمان و فیلسوفان اشعری مثل نجم الدین کاتبی قزوینی و اثیرالدین ابهری و شمس‌الدین کیشی و شمس‌الدین خسرو شاهی از سوی دیگر روابط علمی گسترده و نیز پیوندهای استادی و شاگردی وجود داشته است، اما این ارتباطات بیشتر به صورت روابط نزدیک و تعاملات فکری و علمی میان آن‌ها بوده (ر.ک: عطائی نظری، ۱۳۹۷: ۸) و مواجهه انتقادی در قالب ردیه‌نگاری‌های مستقل کمتر بروز و ظهور یافته است. این در حالی است که، چنان که پیش‌تر اشاره شد سید دلدار علی کتاب «مرآة العقول» ملقب به «عماد الاسلام» را در رد کتاب «نهایة العقول» فخر رازی در پنج جلد مفصل تألیف نمود و اکثر مطالب کتاب فخر رازی را - که خلاف مذهب امامیه نوشته - رد کرده است.

فرزندان وی نیز در آثار کلامی‌شان در مباحث مختلف به نقداندیشه‌های فخر رازی پرداخته‌اند. یکی از مهم‌ترین اقدامات سید دلدار علی، مقابله شدید با جریانات ضد شیعی پدیدآمده در عصر اوست. از آن جمله می‌توان به کتاب «تحفه اثنی عشریه»، اثر شاه عبدالعزیز دهلوی اشاره کرد. (انوشه، ۱۳۸۰: ۴ / ۷۲۷)

با تألیف و عرضه این کتاب، ردیه‌های مفصلی توسط سید دلدار علی و دیگر اندیشمندان امامی بر این کتاب ضد شیعی نوشته شد. ردیه‌های متعدد وی بر ابواب مختلف «تحفه اثنی عشریه» توسط فرزندان وی تکمیل شد و اوج تکامل آن را می‌توان در کتاب «عبقات الانوار» میرحامد حسین، که از تربیت یافتگان علمای خاندان اجتهاد است، دید. پدر میرحامد حسین نزد عالمانی از خاندان اجتهاد دانش آموخته بود و خود وی با تألیف «موسوعه عبقات»، به عنوان سرسلسله خاندان

علمی دیگری در دیار هندوستان گردید که از آن با عنوان «خاندان عبقات» یاد می‌شود.

سید دلدار علی بر چندین باب از تحفه اثنی عشریه ردّیه نوشته است.

- «الصوارم الالهيات في قطع شبهات عابدى العزى و اللات» را در ردّ باب الهيات تحفه اثنی عشریه؛

- «حسام الاسلام و سهام الملام» را در ردّ باب نبوت؛

- «خاتمة الصوارم الالهيات» را در ردّ باب امامت؛

- «رساله غيبت در ردّ طعن‌های دهلوی بر غيبت امام دوازدهم» را در باب هفتم تحفه؛

- «احياء السنة و اماتة البدعة بطعن الاستة» را در ردّ باب معاد و رجعت آن؛

و بالاخره «ذوالفقار» را در ردّ باب دوازدهم تحفه اثنی عشریه (با موضوع تولی و تبری) و همگی را به زبان فارسی نگاشته است.

از دیگر نقاط برجسته در حیات علمی سید دلدار علی، مقابله شدید وی با جریان صوفیه است. سید دلدار علی علاوه بر مقابله با جریان‌های ضد شیعی و ساخته‌های بی‌اساس آنان، با بحران‌های درون شیعی نیز درگیر بود و از جانب برخی جریان‌های تصوف و اخباری‌گری از درون شیعه نیز مورد تهدید قرار می‌گرفت. خرافات صوفیان مردم را از احکام اسلام دور کرده بود. وی با تألیف کتاب «شهاب ثاقب» و نگاشتن رساله‌ای در ردّ یکی از بزرگان صوفی موفق شد تا پیری و مریدی و طلب حاجت کردن از صوفیان را از میان بردارد.

ایشان در کتاب «شهاب ثاقب» بنا بر ادعای خود پرده از خطاهای یازده صوفی همچون ابن عربی، مولوی، بایزید، حلاج، عطار، ابراهیم ادهم، غزالی، سنایی و... برداشته است. (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

علاوه بر این کتاب، وی رساله‌ای با عنوان «الاسئلة السمعية» را در جواب سؤال‌های مولوی محمد سمیع صوفی به زبان فارسی تألیف نمود که مشتمل بر

بطلان مذهب تصوف و برائت علمای شیعه از آن مذهب است. (نقوی، ۱۳۸۹: ۵۲)

رساله دیگری با عنوان «الرد علی الصوفیة» نیز از وی گزارش شده که به زبان فارسی است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۰۶/۱۰)

با توجه به آنچه گذشت می‌توان گفت تأسیس نهاد رسمی علمی یکی از اقدامات وی است؛ پس از آنکه شیعه به دلیل اخباری‌گری و تصوف مآبی دچار انحراف و سطحی‌نگری شده بود وی با همکاری شاگردانش، با تبیین مبانی و اصول شیعه در کتاب‌هایی مانند «اساس الاصول» و «مطارق الحق و الیقین» به مقابله با اخباری‌گری پرداختند و با تألیف کتاب‌هایی مانند «الشهاب الثاقب» و «عضب الله المصقول فی رد معاول العقول»، نقدهایی عالمانه بر تصوف وارد نمودند.

سید دلدار علی در جهت گسترش دین اسلام و مذهب تشیع از یک سو با تألیف آثار مختلف از مرزهای دینی و اعتقادی و روحیه معنوی و اخلاقی جامعه پاسداری کرد و از سوی دیگر جهت استمرار آن به تربیت و پرورش مبلغان و شاگردان پارسا و اندیشه‌ورز اهتمام داشت. شاگردان وی در سراسر شبه قاره هند پراکنده شدند و معارف و علوم اهل بیت علیهم‌السلام را پخش کردند. بیشتر علمای بزرگ شیعه که پس از او در هند ظهور کرده‌اند، از نسل او یا از پرورش یافتگان مکتب وی و اخلاف وی هستند. (ثبوت، ۱۳۸۰: ۲۰۶) از این رو می‌توان بقا و استمرار حیات تمدنی و فرهنگی لکهنو، در طول قرن‌های متمادی را مدیون تلاش‌های علمی وی دانست.

علاوه بر فرزندان وی، افاضل بسیاری از شاگردان ایشان هستند که استقصای نام آنان دشوار است، اما می‌توان به برخی از مهم‌ترین آنان اشاره کرد.

سید محمدقلی پدر مرحوم میرحامد حسین، یکی از شاگردان برجسته سید دلدار علی است که تصنیفات فراوانی برجای گذاشته است. از جمله تألیفات وی عبارت‌اند از:

- نفاق الشیخین بالحدیثین الصحیحین (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴/۲۴)؛

- سیف ناصری در ردّ باب اول تحفه اثنی عشریه؛

- اجوبة الفاخرة در ردّ جواب سيف ناصرى كه رشيدالدين دهلوى نگاشته است؛

- تقليب المكاييد در ردّ باب دوم تحفه اثني عشرية؛

- برهان سعادت در ردّ باب هفتم تحفه اثني عشرية؛

- تشييد المطاعن لكشف الضغائن در ردّ باب دهم تحفه اثني عشرية؛

مصارع الافهام لقطع الاوهام در ردّ باب يازدهم تحفه اثني عشرية. (رضوى،

۱۳۸۹: ۳۲۲-۳۱۹)

از ديگر شاگردان ايشان مى توان به ميرزا كاظم على بن غلام على لكهنوى مؤلف كتاب نصرة المومنين فى كشف شبهات المعاندين در مبحث امامت (آقابزرگ تهرانى، همان: ۱۷۸)، سيد شاکر على، مير مرتضى، سيد عبدالعلى و... اشاره نمود كه همگى اهل علم و فضيلت بودند و منشأ آثار فراوان علمى، اقتصادى، عمرانى و سياسى براى شيعيان گرديدند. (رضوى، ۱۳۸۹: ۳۲۵-۳۱۰)

سيد دلدار على در راستاى تحولات فرهنگى و اجتماعى علاوه بر برگزاري نخستين نماز جمعه و جماعت شيعه (آزاد كشميرى، ۱۳۸۷: ۳۷۱)، براى نخستين بار حوزه علميه و درس خارج را نيز در هند داير كرد. (نقوى، ۱۳۹۳: ۱۲۲)

وى با گسترش مراسم عزادارى و فعاليت ها و مجاهدت هاى علمى خویش و پاييند كردن مقامات مسئول و حاکمان به رعايت امور مذهبى، بدعت ها را از بين برد و با ايستادگى در برابر حمله هاى افراد متعصب و منافق، مخالفين شيعه را به حاشيه رانده و هجمه هاى آنان را دفع نمود. بنا به پيشنهاد وى نواب آصف الدوله علاوه بر كمك به مدارس دينى و طلاب، اماكن مقدسه كربلا و نجف را مرمت كرد.

سيد دلدار على همزمان با تأسيس كتابخانه به تعمير مساجد نيز پرداخت. يك مسجد در نصير آباد و مسجدى در لكهنو به نام او شهرت دارد. ساختمان حسينيه اى كه در لكهنو و نصير آباد ساخته هنوز باقى است. وى همچنين با حفر چاه در زمين شخصى خویش به تأمين نيازهاى ضرورى مردم توجه نشان داد. (صدرالافاضل،

۱۳۷۴: ۲۵۱-۲۵۰)

نتیجه این تلاش‌ها آن شد که در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری شیعیان در شمال هند کاملاً شناخته شدند. آن‌ها طبق احکام و اصول و فروع خود عمل می‌کردند. مدارس شیعی نیز در آن زمان به وجود آمد. همان کارهایی که شاه اسماعیل صفوی برای گسترش تشیع در ایران انجام داد آصف الدوله نیز در «اوده» انجام داد. این اولین بار بود که شیعیان در شمال هند تشخص یافته و رسماً شناخته شدند. این کارها را سید دلدار علی با کمک آصف الدوله و وزیرش سرفراز الدوله حسن رضاخان انجام داد. (کربلایی، ۱۳۹۳: ۱۹۵)

در حقیقت سید دلدار علی و سایر متکلمان این مدرسه با مجاهدت‌های خود در زمینه‌های مختلف به مذهب شیعه پس از یک دوره تنگنای شدید و تقیه رسمیت بخشیدند. اگر تاریخ تشیع در هند را دارای دو بخش کلی دوره تقیه و بعد از تقیه بدانیم، بدون شک در عصر این متکلم بزرگ تحول عظیمی در خروج جامعه شیعه از تقیه شکل گرفته است. هرچند تا قبل از مرحوم غفران‌مآب شخصیت‌های بزرگ شیعه مانند قاضی نورالله شوشتری در هند حضور داشته‌اند، لیکن آنان با عنوان مفتی مذاهب اربعه و یا سمت‌های دیگر وارد دستگاه حکومتی زمان خود می‌شدند و احیاناً پس از مشخص شدن اعتقادشان به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام از سوی افراتیون به شهادت می‌رسیدند، لذا علامه غفران‌مآب شخصیتی است که با قدرت و اقدامات علمی و عملی خویش توانست به این دوران تاریک و سخت پایان داده و شریعت جعفری را در این منطقه به صورت رسمی مطرح کند و آن را در مناطق مختلف این کشور توسعه دهد و پایه‌های آن را استوار سازد.

۲.۲. سید محمد بن سید دلدار علی (۱۲۸۴-۱۱۹۹)

سید محمد فرزند ارشد سید دلدار علی ملقب به سلطان العلماء نزد پدرش سید دلدار علی به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و در سن نوزده سالگی به درجه اجتهاد رسید. (همان: ۵۷) او پس از وفات پدرش در سال ۱۲۳۵ در نصیر آباد هند مرجعیت و رهبری شیعیان را عهده دار شد. در سال ۱۲۵۸ امجد علی شاه پس از پدرش محمد علی شاه، سلطان «اوده» گردید. وی بلافاصله حکومت اوده را به سلطان العلماء به عنوان نایب امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه واگذار نمود و سلطان العلماء نیز وی را

به نیابت خود بر امور استیلا داد و این‌گونه حکومت وی مشروعیت یافت. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۸۵) از این رو می‌توان گفت او گونه‌ای از ولایت فقیه را در آن دوره عملاً به نمایش گذاشت.

سلطان العلما از آن پس در کنار فعالیت‌های گسترده علمی و تألیف آثار متعدد به سه زبان فارسی، عربی و اردو، به طور مستقیم در اداره امور حکومت اوده دخالت نموده و بر عزل و نصب‌ها به ویژه در مورد قضات و همچنین هزینه بیت المال، نظارت داشت. به برکت فعالیت‌های علمی و فرهنگی وی نماز جمعه، نماز جماعت و جمیع احکام شریعت بیشتر از زمان والدش در بلاد هند رواج یافت. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۳۹) امجد علی‌شاه در پیروی از سلطان العلما فرمان داد بسیاری از میخانه‌ها و دگان‌های حشیش در لکهنو بسته شود و مقرر کرد فحشاخانه‌ها که در پایتخت زیاد شده بود، بسته شوند. (خوآن ریکاردو کل، ۱۳۹۷: ۳۶۱)

در زمان مرجعیت وی، اخراج زکات از اموال شاهی و تقسیم آن به مستحقین اجرا شد. شیعیان اوده نیز برای مدتی طولانی شخصاً زکات پرداخت می‌کردند. (همان: ۳۶۳) سلطان العلما در رأس قوه قضاییه قرار داشت. امجد علی‌شاه، احکام قضا را به او سپرد و مهری به نام ایشان با عبارت «مجمع علوم دین و مرجع سادات و مؤمنین، حافظ احکام الله، مجتهد العصر، سلطان العلما» منقوش نمود و برای ایشان فرستاد و تمام مفتیان را مأمور کرد تا به حسب فتوای او عمل کنند. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۰)

نویسنده تذکرة العلماء او را بعد از والد خود، افضل علمای زمان و اکمل فقهای دوران و سرآمد متکلمین و سر دفتر متبحرین برشمرده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۲۷) سید حسین بن دلدار علی در اجازه‌ای که برای فرزند برادرش سید محمد هادی بن سید مهدی بن سید دلدار علی نوشته از او با عنوان «قدوة المتکلمین الاعلام و اسوة المجتهدین الکرام» یاد می‌کند (همان: ۳۳۲) و مفتی میر عباس نویسنده اوراق الذهب او را «لسان المتکلمین و اسوة المتفقین و قدوة المتألهین و خاتم المجتهدین» می‌داند. (جزائری، ۱۴۳۷: ۱ / ۱۴۲) این عبارات حکایتگر جایگاه رفیع او و گویای مقام علمی و شخصیتی این متکلم بزرگ شیعی است.

بنابر نقل سید احمد نقوی لکهنوی معروف به علامه هندی، صاحب جواهر الکلام در مکتوبات خود سید محمد و برادرش سید حسین را با عبارتی همچون «الجامعین بین الاحاطة بالمنقول و اماطة مستور شبه المعقول، المنصوبین من صاحب الشریعة لها حکما... المحيطین بجوامع المنقول و الجامعین بین تنقیح الفروع و تحریر الاصول...» توصیف کرده است.

از میان آثار علمی متعدد و برجسته وی در حوزه فقه، حدیث و کلام تنها به گزارش مختصری از کتاب‌هایی که بیشتر جنبه کلامی دارند می‌پردازیم:

صاحب کتاب تذکرة العلماء، ورثة الانبیاء و مطلع انوار کتابی با عنوان «کتاب مبسوط در ردّ تحفه اثنی عشریه در مبحث امامت» را برای سلطان العلماء نام برده‌اند (همان: ۳۳۴) درحالی‌که صاحب کشف الحجب و الذریعه، کتاب «البوارق الموبقه» را در ردّ باب هفتم تحفه اثنی عشریه (امامت) برای وی گزارش کرده‌اند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵۴/۳) به نظر می‌رسد کتاب مبسوط در ردّ تحفه اثنی عشریه همان البوارق الموبقه است.

کتابی با عنوان «الامامه» که در ردّ باب هفتم تحفه اثنی عشریه (امامت) است - نیز به ایشان منتسب است. (همان: ۳۳۵/۲) بنا بر گزارش الذریعه این کتاب غیر از البوارق الموبقه است (همان: ۱۹۰/۱۰) اما با توجه به قرآنی می‌توان گفت کتاب الامامة که در الذریعه گزارش شده همان البوارق الموبقه است، چه اینکه وی کتاب مفصلی به نام البوارق الموبقه را در ردّ باب امامت تحفه اثنی عشریه نگاشته و نیازی به تألیف کتاب دیگر در این زمینه نبوده است و دوم اینکه در هیچ کتابی جز الذریعه چنین کتابی برای سلطان العلماء ذکر نشده است. البته در فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی کتابی با عنوان الامامة به شماره (۲۳/۱۰) به سید دلدار علی نسبت داده شده (عرب زاده، ۱۳۷۸: ۹۹) که به احتمال قوی این نسخه، بخش امامت کتاب عماد الاسلام سید دلدار علی است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۳۴)

سوم اینکه نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.

«رساله اصل الاصول» وی در جواب کلام سید مرتضی بن محمد اخباری (معروف به میر مرتضی) یکی از شاگردان سید دلدار علی است که بعد از تمایل به اخباری‌گری اعتراض‌هایی بر کتاب اساس الاصول استادش وارد نموده بود. (همان: ۳۳۵)

کتاب «صمصام قاطع و برهان لامع» در تعیین فرقه ناجیه و در ردّ مذهب اهل سنت و اثبات عداوت ایشان با اهل بیت علیهم‌السلام است. در ضمن مباحث مذکور، جواز تعزیه‌داری و بنای صورت ضریح سیدالشهداء علیه‌السلام نیز با ادله به اثبات رسیده است. (همان)

رساله طعن الرماح ملقّب به فوائد حیدریه در ردّ مطاعن صاحب تحفه اثنی عشریه در جریان فدک، قرطاس و آتش زدن درب خانه حضرت زهرا علیها‌السلام است. در خاتمه این کتاب نیز به وجه عدم ثبوت شهادت امام حسین علیه‌السلام بر اساس اصول اهل سنت پرداخته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۵/۱۷۲)

سلطان العلما در رساله ثمرة الخلافة به بیان عدم اثبات شهادت امام حسین علیه‌السلام بنا بر اصول اهل سنت پرداخته است. مولوی حیدر علی فیض‌آبادی که از علمای اهل سنت است در ردّ آن کتاب «اثبات الخرافة لصاحب ثمرة الخلافة» را تألیف نمود. (همان: ۱/۹۰) وی همچنین در کتاب ازالة الغین نیز به تبیین شهادت امام حسین علیه‌السلام و بیان اسرار شهادت حضرت پرداخت (همان: ۵۲۹) تا ادعای سلطان العلما را ردّ نماید. بعد از انتشار این دو کتاب، سید محمد باقر بن سید محمد پسر سلطان العلما جهت دفاع و تأیید والد خویش کتاب «تشید مبانی الایمان» را در ردّ مولوی حیدر علی فیض‌آبادی تألیف نمود. (همان: ۱۴/۵)

رساله العجالة النافعه وی در علم کلام و اصول دین است که سلطان العلما برای فرزندش سید محمد باقر نوشته است. (همان: ۱۵/۲۲۳) علاوه بر آن رساله‌ای با عنوان البضاعة المزجاة نیز به زبان فارسی و در علم کلام تدوین نموده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۳/۱۲۸)

کتاب «سم الفار فی اتصاف الثلاثة بالفرار» وی در جواب برخی از مکاتیب سلامة الله کشفی در مبحث «فرار الثلاثة عن المعارك» نوشته شده است. صاحب تذکره العلماء، ورثة الانبياء و مطلع انوار این کتب را از تألیفات سیدالعلما برشمرده اند (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۳۷) در حالی که صاحب کشف الحجب و الذریعة این کتاب را از محمد بن علی بن محمد هاشمی فیض آبادی دانسته که به امر استادش سلطان العلماء تألیف نموده است. البته در الذریعة این احتمال مطرح شده که شاید سلطان العلماء به جهت تقیه این کتاب را به نام شاگردش نوشته است؛ همان طور که کتاب ضربت حیدریه نیز به اسم شاگرد دیگرش سید حمیدالدین باقر شاه نقوی بخاری تألیف نموده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۲/۲۳۱)

سلطان العلماء رساله «برق خاطف» را پیرامون قضیه افک و در جواب برخی مخالفین در باب عایشه تألیف نموده است (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۳۷) وی همچنین رساله «گوهر شاهوار» را در پاسخ به مسئله نصیرالدین حیدر پادشاه که از افضلیت میان قرآن مجید و پیامبر و اهل بیتش علیهم السلام سؤال نموده تصنیف فرموده و به ایشان هدیه داده است. (همان: ۳۳۸)

سه کتاب «الفضائل الحیدریه» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶/۲۵۸)، «تفضیل امیرالمومنین علیه السلام» (همان: ۴/۳۵۹) و «تفضیل سادات بر مشایخ» نیز از وی گزارش شده که در مورد افضلیت حضرت علی علیه السلام بر دیگران غیر از رسول الله صلی الله علیه و آله است. (همان: ۴/۳۶۰) شرح حدیث «حسین منی و انا من حسین» به زبان فارسی (همان: ۱۳/۱۹۶)، رساله السؤال و الجواب (همان: ۱۲/۲۴۹) و کتابی با عنوان بشاره محمدیه نیز برای وی گزارش شده است. (همان: ۳/۱۱۷)

۲.۳. سید علی بن سید دلدار علی (۱۲۹۵-۱۲۰۰)

چهار کتاب رساله فی الفدک (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶/۱۲۹)، رساله فی الکلام (کنتوری، ۱۴۰۹: ۱/۲۸۰)، رساله ای در اثبات جواز عزای سیدالشهدا علیه السلام و رساله ای در رد اخباریین برای وی گزارش شده است. علاوه بر آن تفسیری نیز به نام «توضیح مجید فی تنقیح کلام الله الحمید» برای وی گزارش شده که با دستور

محمد امجد علی شاه آن را کامل نموده است. وی در این تفسیر آیات قرآنی فراوانی را در فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و همچنین در قبائح و مثالب خلفای غاصبین بیان فرموده و در اکثر مواضع بر مخالفان احتجاجات فراوانی ارائه داده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۵۲-۳۵۱)

۲.۴. سید حسن بن سید دلدار علی (۱۲۶۰-۱۲۰۵)

دو کتاب در علم کلام از او گزارش شده است؛ یکی رساله‌ای است با عنوان «شرح کلمة المشیئة» در آنچه تعلق به گفتن «ان شاء الله» و معنای آن دارد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۴/۴۱) و دیگری کتاب مبسوط به زبان اردو در اصول دین به نام «الباقیات الصالحات». (همان: ۱۱/۳) البته در کتاب ورثة الانبیاء، کتاب «مبسوط در علم کلام» و در کتاب تذکرة العلماء کتاب «مبسوط در اصول دین» برای وی گزارش شده است و ذکری از نام الباقیات الصالحات به میان نیامده است. بنا بر گزارش کتاب تذکرة العلما این کتاب به زبان هندی نوشته شده و مصنف تصمیم داشته این کتاب را به زبان فارسی و عربی نیز ترجمه نماید، اما اجل مهلت نداد. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۵۹)

۲.۵. سید حسین بن سید دلدار علی (۱۲۷۳-۱۲۱۱)

سید حسین ملقب به سید العلما نزد پدر و برادرش سلطان العلما به تحصیل علوم عقلی و نقلی پرداخت و در سن ۱۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. (همان: ۳۶۴-۳۶۳) او بیشتر در فقه و اصول تبحر داشت، از این رو علما مسائل مشکل فقهی خود را به وی ارجاع می‌دادند. سید العلما در فقه و اصول بیش از بیست تألیف دارد، اما در عین حال از تألیفات کلامی نیز غافل نشد و آثار مهمی را از خود بر جای گذاشت. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۸۸-۱۸۷)

علاوه بر عبارات صاحب جواهر الکلام که قبلاً گذشت، مفتی میر عباس صاحب اوراق الذهب نیز در مدح وی می‌نویسد:

اما علمه فالتعرض من احد لاطهاره كالاخبار بالبح بعد اسفراره... و كانه في

كل من الفنون افنى الزمان و القرون... (جزائری، ۱۴۳۷: ۲۲۲/۱-۲۰)

محمد امجد علی شاه نهایت اعتقاد و حسن و ارادت به سید العلماء داشت. او مه‌ری به نام ایشان با عبارت «حاوی علوم دین و حامی سادات و مومنین، حافظ احکام اله، مجتهد العصر، سید العلماء» منقوش نمود. (همان: ۳۷۱) سید العلماء در سال ۱۲۷۳ هجری قمری دار فانی را وداع گفت و در حسینیه غفران مآب مدفون شد. (همان: ۲۱۱)

از میان آثار علمی متعدد و برجسته سید العلماء تنها به مهم‌ترین کتاب‌های وی که بیشتر جنبه کلامی دارند اشاره می‌کنیم:

کتاب وسیلة النجاة به زبان فارسی و در اصول دین است که تا اواخر مبحث نبوت نوشته شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۸۶/۲۵) کتاب حدیقه سلطانیه نیز به زبان فارسی و به دستور محمد امجد علی شاه تألیف شده است. سید العلماء کتاب مذکور را در دو مقصد نگاشته است. در مقصد اول به بیان اصول عقاید، و در مقصد دوم به بیان احکام شرعی پرداخته است. (همان: ۳۸۴/۶) رساله طرد المعاندین للدين عن رحمة رب العالمين وی نیز به زبان فارسی و در مبحث امامت و بیان جواز لعن منافقین، مخالفین و فاسقین نوشته شده است. (همان: ۱۶۱/۱۵)

وی کتابی با عنوان الافادات الحسينية ملقّب به الفوائد الحسينية فی تصحيح العقائد الدينية تألیف نموده است که در تصحيح عقاید دینی و تحقیق معنی عینیت صفات باری تعالی است. وی کتاب مذکور را به زبان عربی و در ردّ اقوال شیخ احمد احسائی و شاگردش سید کاظم رشتی نوشته است. (همان: ۲۵۳/۲)

رساله اجوبة المسائل وی به زبان عربی و در پاسخ به سؤالات اعتقادی و دینی در موضوعات گوناگون است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ممتاز العلماء لکهنو به شماره ۱۰۸ موجود است. (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۱۲۹)

سید العلماء سید حسین، حوزه بزرگ درسی در شهر لکهنو داشت و شاگردانی را پروراند که در همه مناطق شبه قاره هند، معارف اهل بیت علیهم‌السلام را توسعه دادند و مدارس و حوزه‌های فقهی و کلامی ایجاد کردند. برای نمونه مولانا سید احمد علی

بن عنایت حیدر محمود آبادی در اعظم‌گره و مولانا اشرف علی بلگرامی در منطقه هردویی و بلگرام حوزه شیعی راه‌اندازی کردند. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۸۹)

افاضل بسیاری از شاگردان ایشان هستند که استقصای نام آنان دشوار است، اما می‌توان به یکی از مهم‌ترین آنان یعنی مفتی عباس شوشتری اشاره کرد. مفتی عباس یکی از سرشناس‌ترین شاگردان سید العلماست که توانست از وی کسب اجازه نماید (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۸۱) و تألیفات فراوانی را به زبان فارسی، عربی و هندی جهت گسترش معارف و علوم اهل بیت علیهم‌السلام به جامعه تشیع ارائه دهد.^۱

۳. دیگر شخصیت‌های علمی از نسل سید دلدار علی

علاوه بر سید دلدار علی و فرزندانش، علمای نسل بعد خانواده اجتهاد با تربیت شاگردان و تألیفات کلامی موجب توسعه جنبش کلامی امامیه در سراسر شبه قاره شدند. در ادامه به معرفی اجمالی برخی از متکلمین تأثیر گذار در نسل سید دلدار علی می‌پردازیم:

۳.۱. سید محمد باقر بن سید محمد بن سید دلدار علی

سید محمد باقر ملقب به منصف الدولة و شریف الملک (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۲) در سال ۱۲۳۴ هجری قمری به دنیا آمد. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۲/۴) نویسنده تذکره العلماء او را جامع علوم معقول و منقول و حاوی فروع و اصول معرفی می‌کند. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۲) کتاب تشیید مبانی الایمان وی به زبان فارسی و در رد کتاب مولوی حیدر علی فیض آبادی است که ذکر آن قبلاً گذشت.

۳.۲. سید صادق بن سید محمد بن سید دلدار علی (م. ۱۲۵۸)

کتاب‌هایی با عناوین الرد علی النصارى (همان: ۲۳۲ / ۱۰)، الرد علی العامة (همان: ۲۱۱)، قاطع الاذنب و قانع النصاب نقض فصل الخطاب فی توجیه الجواب به زبان فارسی و در علم کلام - امامت - (همان: ۶ / ۱۷) و تأیید المسلمین به زبان اردو و در اثبات نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای وی گزارش شده است.

۱. ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۵۵/۱۱ و ۲۶۳؛ همان: ۴۵۰/۲؛ رضوی، ۱۳۸۹: ۴۳۲-۴۳۰.

کتاب تأیید المسلمین به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. مؤلف در بخش اول کتاب به خطاهای نصرانی‌ها پرداخته و در بخش دوم ادله نبوت خاصه را مورد بررسی قرار داده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۴)

۳.۳. سید عبدالله بن سید محمد بن سید دلدار علی (م. ۱۲۶۶)

وی سومین فرزند سلطان العلماء (کشمیری، بی تا: ۶۱ / ۱) بنا بر گزارش صاحب تذکره العلماء رساله‌ای به زبان عربی در ردّ فرقه غلات از ایشان تألیف شده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۳۴۵)

۳.۴. سید محمد هادی بن سید مهدی بن سید دلدار علی (م. ۱۲۷۸)

سید محمد هادی ملقب به «صدر الشریعة» و «عمدة العلماء» است. (همان: ۴۱۱) صاحب تذکره العلماء در مدح وی می نویسد: «جامع علوم معقول و منقول و واقف فنون فروع و اصول و منبع فضائل شتی و حاوی مدارج عالیہ علم و تقوی است». وی از سلطان العلماء سید محمد و سید العلماء سید حسین کسب اجازه نموده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۴۰۷)

او فقیه برجسته‌ای بود و در مقام قاضی شهر لکهنو منصوب شد (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۹۵)، اما از تألیفات کلامی فاصله نگرفت. چندین کتاب کلامی برای وی گزارش شده است؛ یکی کتاب جواب شبهات بعض اهل الکتاب که استادش سید حسین بن سید دلدار علی بر آن تقریظ نگاشته است. (آقابرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۸۴ / ۵) دو کتاب دیگرش السیف القاطع به زبان فارسی (همان: ۲۸۷ / ۱۲) و دفع شبهات مکنائن است که در ردّ برخی از کشیش‌های مسیحی تألیف شده است. (همان: ۸ / ۲۲۸)

بنا بر گزارش صاحب تذکره العلماء، از جمله تصانیف ایشان رساله‌ای است مشتمل بر بشارات انبیای سابق در باب بعثت پیامبر اکرم ﷺ که به زبان عربی تألیف نموده است؛ ایشان نام این رساله را ذکر نکرده است. وی در ادامه گزارش خود می‌گوید سید محمد هادی رساله تمحیض الحق را در جواب یکی از علمای نصرانی معروف به «پادری دلیم» و رساله کشف الاستار را در جواب بعض رسائل

«پادری قندر» - که از متعصبین قوم نصاری است - به تألیف در آورده است. (رضوی، ۱۳۸۹: ۴۱۲-۴۱۱)

۳. ۵. سید ابراهیم بن سید محمد تقی بن سید حسین بن سید دلدار علی (۱۳۰۷-۱۲۵۹)

کتاب «امل الآمل» از تألیفات وی به زبان فارسی است که در آن به حل معضلات مسائل کلامی پرداخته است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲/ ۳۵۰) کتاب دیگری با عنوان نور الابصار فی اخذ الثأر نیز از وی گزارش شده که پیرامون اخبار مختار، سیره او، پیروزی‌ها و معتقدات و اعمالش تألیف شده است. (همان: ۲۴/ ۳۵۷) کتاب دعائم الایمان نیز از آثار کلامی اوست که در آن به جمع آوری نصوص فراوانی از ائمه علیهم‌السلام در مورد اثبات صانع و توحید و نبوت انبیاء عظام و سایر اصول دین از کتاب‌های معتبر عالمان شیعه پرداخته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ممتاز العلماء لکهنو به شماره ۵۳ موجود است. (حسینی اشکوری، ۱۳۸۵: ۸۵)

۳. ۶. سید علی محمد بن سید محمد بن سید دلدار علی (م. ۱۳۱۲)

سید علی محمد ملقب به تاج العلماء (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۶/ ۳۳) از نخستین علمای شیعی هند است که به زبان اردو کتاب نگاشت. علمای پیش از وی به زبان عربی و فارسی تصنیفات داشتند، اما او پی برد که اکنون نیاز است معارف اسلامی به زبان جدید مردم هند منتقل شود. (نقوی، ۱۳۹۳: ۱۹۴)

کتاب‌هایی با عناوین ذیل از وی گزارش شده است:

- زاد قلیل در توحید و عدل (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۶/ ۱۲)؛

- الحریق المختوم پیرامون قضیه غدیر (همان: ۱۰/ ۱۷۳)؛

- شرح خطبة اللمة در شرح خطبه فدکیه (همان: ۱۳/ ۲۲۴)؛

- لحن داوودی در ردّ کتاب نغمه طنبوری (همان: ۱۸/ ۲۹۷)؛

- الضربة العلویة در ردّ مادیین (همان: ۱۵/ ۱۱۶)؛

- الصولة العلوية در دفاع از امت پیامبر ﷺ (همان: ۹۸/۱۵)؛
- عمادالدين و فلاح المومنين در ردّ مسيحيان (همان: ۳۳۱)؛
- الغرة در علم کلام (همان: ۳۳/۱۶)؛
- جوابات المسائل الزنجارية به زبان عربی و در علم کلام (همان: ۲۲۲/۵)؛
- جوابات المسائل الحيدر آبادية (همان: ۲۱۹/۵)؛
- طريق اثني عشر به زبان فارسی (همان: ۱۶۴/۱۵)؛
- طريق النجاة در برخی از مسائل کلامی (همان: ۱۶۹)؛
- شرح الخطبة الشقشقية (همان: ۲۲۲/۱۳)؛
- التدقيق الدقيق در باب احکام تقيه (همان: ۱۸/۴)؛
- خلق الانسان (همان: ۲۴۴/۷)؛
- الاثني عشرية در بشاراتی که در مورد پیامبر اکرم ﷺ در کتب عهدین آمده است (همان: ۱۱۵/۱)؛
- کتاب دیگری نیز با عنوان الاثني عشرية فی البشارات العلوية از وی گزارش شده است. (همان)

۳. ۷. سید مصطفی بن سید هادی بن سید مهدی بن سید دلدار علی (م). (۱۳۲۳)

وی صاحب کتاب «خزانة المسائل» است. این کتاب چهار بخش دارد؛ بخش اول عقاید، بخش دوم اصول فقه، بخش سوم تمام ابواب فقه و بخش چهارم پیرامون مسائل متفرقه است. (همان: ۱۵۸/۷) کتاب‌های دیگری نیز با عناوین شرح دعای عدیله به زبان فارسی (همان: ۲۵۸/۱۳)، العجالة المفحمة به زبان فارسی در ابطال روایت ازدواج ام کلثوم (همان: ۲۲۳/۱۵) و عقائد الامامية الاثني عشرية به زبان اردو از وی گزارش شده است. (همان: ۲۸۱)

۳. ۸. سید محمد حسین بن سید بنده حسین بن سید محمد بن سید دلدار علی (م. ۱۳۲۵)

سید محمد حسین ملقب به بحر العلوم، مؤلف کتاب «التحریر الرائق» است. از آنجایی که سید علی نقی نقوی در کتاب کشف النقاب عن عقائد ابن عبدالوهاب از آن یاد می‌کند می‌توان حدس زد این کتاب پیرامون مباحث اعتقادی است. (همان: ۳ / ۳۸۵) سه کتاب دیگر با عنوان الحديث الحسن فی التسامح فی ادلة السنن به زبان اردو (همان: ۶ / ۳۷۶)، القول الاسد فی قبول توبة المرتد (همان: ۱۷ / ۲۰۸) و الدر النضید فی الفرق بین البيعة و التقليد نیز از وی گزارش شده است. (همان، ج ۸: ۸۱)

۳. ۹. سید علی اکبر بن سید محمد بن سید دلدار علی (م. ۱۳۲۶)

سید علی اکبر صاحب کتاب‌هایی با عناوین التوضیحات التحقیقیة در شرح خطبه شفشقیه (همان: ۴ / ۴۹۹)، اسرار الحکمة در بیان خلقت (همان: ۲ / ۴۴) و البشارات الغیبیة در بیان تحقیق روح است. (همان: ۳ / ۱۱۳)

۳. ۱۰. سید محمد تقی بن سید حسین بن سید دلدار علی (ت. ۱۲۳۴)

محمد امجد علی شاه مدرسه‌ای برای طلاب علوم دینی تأسیس کرد و ریاست آنجا را به سید محمد تقی ملقب به ممتاز العلما و فخر المدرسین سپرد و مهری به نام ایشان با عبارت «ممتاز العلما، فخر المدرسین» منقوش نمود. (رضوی، ۱۳۸۹: ۶۸-۳۹۹)

کتاب «ینابیع الانوار» از آثار تفسیری اوست که با رویکرد کلامی و به زبان عربی نگاشته شده است. وی همچنین کتاب ارشاد را در ردّ کسانی که منکر تأثیر دعا هستند، تألیف نموده است. (همان: ۴۰۱)

نتیجه:

بعد از افول حوزه اصفهان و رونق یافتن حوزه نجف، کلام امامیه از مکتب کلامی منسجم و متمرکزی در خاک ایران برخوردار نبوده است، ولی در این محدوده زمانی متکلمان توانمند و تأثیرگذاری از میان علمای شیعی «لکهنو» برخاستند و با تقابل با جریان‌های رقیب همچون سلفیه، صوفیه، شیخیه، اخباری‌گری و ارباب سایر ادیان و پاسخگویی به شبهات آنان توانستند به تصفیه‌اندیشه شیعه از آراء نادرست پرداخته و به مذهب شیعه پس از یک دوره تنگنای شدید رسمیت بخشیده و در ترویج تشیع در این منطقه تأثیر گذار باشند.

سید دلدار علی، سلطان العلماء و سید العلماء برجسته‌ترین متکلمان شیعی لکهنو در این دوره محسوب می‌شوند. تحقیق گسترده در آرای کلامی، توجه و ایجاد تحول ویژه در امامت‌پژوهی از جمله ویژگی‌های تلاش علمی آنان است. تدوین آثاری همچون عماد الاسلام، خاتمة الصوامم الالهیات، رساله غیبت، البوارق الموبقه، الامامة، الفضائل الحیدریه و... را می‌توان نقطه آغازین طرح مسئله امامت و کتاب عبقات الانوار میرحامد حسین را نقطه اوج توجه به این مسئله در لکهنو دانست.

مواجهه جدی با کلام اشعری، یکی دیگر از ویژگی‌های خاص مدرسه لکهنو است که نه پیش از آن نظیری داشته و نه پس از آن استمرار یافته است، چون مواجهه اکثر مدارس کلامی امامیه در قرون نخستین و میانه با معتزلیان بوده است. از دیگر برون‌دادهای این مدرسه تأسیس نهاد رسمی علمی، انجام مطالعات تطبیقی و انتقادی و تربیت و پرورش شاگردان‌اندیشه‌ورزی همچون سید محمد قلی - پدر میر حامد حسین - و در نسل بعد خود میر حامد حسین است. بیشتر علمای بزرگ شیعه که پس از او در هند ظهور کرده‌اند، از نسل او یا از پرورش یافتگان مکتب وی و اخلاف وی هستند. از این‌رو می‌توان بقا و استمرار حیات تمدنی و فرهنگی لکهنو، در طول قرن‌های متمادی را مدیون تلاش‌های علمی وی دانست. در هر روی مطالعه حاضر نشان داد در مقام مقایسه میان سه خاندان علمی مهم شیعه در دیار هندوستان، یعنی خاندان تستری، خاندان اجتهاد و خاندان عبقات، این خاندان اجتهاد است که نسبت به مکتب کلامی لکهنو نقش تأسیسی دارد و حجم وافر از

آثار کلامی را قبل از خاندان عباقت تولید کرده است؛ چنان که سرسلسله خاندان عباقت تربیت یافته عالمانی از خاندان اجتهاد بوده است.

منابع و مأخذ:

- آزاد کشمیری، محمدعلی بن محمدصادق (۱۳۸۷)، نجوم السماء فی تراجم العلماء (شرح حال علمای شیعه قرن‌های یازدهم و دوازدهم و سیزدهم هجری قمری)، تصحیح: هاشم محدث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، گردآورنده: احمد بن محمد حسینی، ۲۶ جلد، چ ۳، بیروت: دارالأضواء.
- امین، سید محسن (۱۴۰۳)، اعیان الشیعة، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- انوشه، حسن (۱۳۸۰)، دانشنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- برخی از شاگردان غفران مآب (۱۳۹۴)، آئینه حق نما، تحقیق: علی فاضلی، چ ۱، قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- ثبوت، اکبر (۱۳۸۰)، فیلسوف شیرازی در هند، تهران: هرمس.
- جزائری، سید محمد عباس (۱۴۳۷)، اوراق الذهب (او المعادن الذهبیه اللجینیة فی المحاسن الوهبیة الحسینیة)، تحقیق و تدوین: علی فاضلی، قم: نشر مؤسسه تراث شیعه.
- حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۸۵)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز العلماء - لکهنو (معرفی میراث مخطوط - ۳۵)، قم: نشر مجمع ذخائر اسلامی.

- خوان ریکاردو کل (۱۳۹۷)، ریشه‌های تشیع شمال هند در ایران و عراق، ترجمه مهرداد رمضان‌نیا، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خواجه‌گی، محمد (۱۳۷۵)، *النظامیه فی مذهب الامامیه*، تصحیح و تحقیق: علی اوجبی، تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- رضوی، رسول (۱۳۹۶)، *تاریخ کلام امامیه؛ حوزه‌ها و جریان‌های کلامی*، ج ۲، قم: دارالحدیث.
- رضوی عظیم‌آبادی، سیدمهدی بن نجف علی (۱۳۸۹)، *تذکره العلماء المحققین فی آثار الفقهاء و المحدثین*، تصحیح علی فاضلی، قم: انتشارات مؤسسه کتاب شناسی شیعه.
- صدراالفاضل، سیدمرتضی حسین (۱۳۷۴)، *مطلع انوار؛ احوال دانشوران شیعه پاکستان و هند*، ترجمه محمد هاشم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عربزاده، ابوالفضل (۱۳۷۸)، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی*، تهران: نشر دار القرآن الکریم.
- کنتوری، میرحامد حسین (۱۳۸۴)، *شوارق النصوص*، تصحیح: طاهر سلامی، ج ۲، قم: دلیل ما.
- کنتوری، اعجاز حسین بن محمدقلی (۱۴۰۹)، *کشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و الاسفار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته.
- کربلایی، اشرف علی (۱۳۹۳)، *حکومت شیعی سادات نیشابور در شمال هند*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- کشمیری، محمد مهدی (بی‌تا)، *نجوم السماء (تکملة)*، قم: نشر کتابخانه بصیرتی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب*، ج ۳، تهران: کتابفروشی خیام.

- ملانوری، محمدرضا (۱۳۹۹)، مدرسه کلامی شیعه در لکهنو، رساله دکتري.
- نقوی، سید علی محمد (۱۳۹۳)، فقها و مکاتب فقهی در هند، قم: سخنوران.
- نقوی لکهنوی، سید احمد (علامه هندی) (۱۳۸۹)، ورثة الانبياء، تصحيح: علی فاضلی، قم: انتشارات مؤسسه کتاب شناسی شیعه.

